

ظرفیت‌ها و منابع اقتصادی آذربایجان و موانع توسعه آن

یاشار اومیدلی

(با توجه به متن این نوشته در سال 83 یا 84 نوشته شده است. "GAIAO")

اخیراً در رسانه‌های گروهی ایران به نقل از مدیرکل اکتشاف شرکت ملی نفت ایران اعلام شده است که میزان ذخایر نفت در دشت مغان حدود 2/5 تا 3 میلیارد بشکه نفت در جا پیش‌بینی شده است. در مناقصه‌ای که برای اکتشاف و تولید میادین نفت مغان برگزار شده است تا سه هفته دیگر از میان شرکت‌های فرانسوی یا روسی یک شرکت برنده خواهد شد و مشارکت با ایران را آغاز خواهد کرد.

همچنین رئیس سازمان صنایع و معادن استان آذربایجان شرقی اعلام کرده است "مجتمع مس سونگون با تولید 150 هزار تن کنسانتره در سال 84 راه‌اندازی می‌شود و... وی در پایان گفت: این استان با داشتن بالغ بر 6/5 میلیارد تن ذخایر در مقام سوم از لحاظ ذخایر معدنی کشور ایستاده است و از نظر تولیدات معدنی نیز با داشتن تعداد 220 معدن فعال و استخراج سالانه بیش از 8 میلیون تن انواع معدنی پنجمین استان غنی مواد معدنی کشور به شمار می‌رود."

البته معادن عمده دیگری نیز در آذربایجان وجود دارند که یا در حال بهره‌برداری هستند یا در آستانه بهره‌برداری یا مطالعات مقدماتی قرار دارند که از جمله مهم‌ترین و معروف‌ترین آنها می‌توان به معادن سرب و روی زنجان، برم زنجان، خاک‌چینی و کائولن مرند، سنگ تراور تن آذرشهر (منحصر بفرد در دنیا)، سنگ مرمر اورمیه، معادن طلاي خاروانا و تکاب، نفیلین سینیت کلیبر، معدن دیاتومیت ممقان، ذخایر بی‌پایان شیمیایی دریاچه اورمیه و صدها معدن کوچک و بزرگ دیگر که هنوز بسیاری از آنها حتی اکتشاف نشده‌اند، اشاره کرده که هر کدام از آنها در صورت بهره‌برداری و ایجاد صنایع مربوط در خود آذربایجان می‌توانند برای هزاران نفر از ملت بیکار

آذربایجان ایجاد اشتغال نمایند، البته بشرطی که درآمد آنها در آذربایجان مجدداً سرمایه‌گذاری شود.

موقعیت ترانزیتی آذربایجان در مسیر دو کریدور بین‌المللی شمال- جنوب و شرق - غرب که شمال و شرق اروپا را به ایران و حوزه خلیج عرب مرتبط می‌سازد و از طریق کریدور شرق- غرب مسیر تورکیه و اروپای غربی را به قفقاز، آسیای مرکزی و چین متصل می‌کند و در صورت احداث جاده‌ها و آزاد راه و گمرکات مطابق با استانداردهای بین‌المللی می‌تواند سالانه ده‌ها میلیون تن بار و میلیون‌ها مسافر را ترانزیت نموده و میلیارد‌ها دلار درآمد ارزی و اشتغال گسترده ایجاد نماید.

متأسفانه بر اثر سیاست‌های حکومت مرکزی جاده‌های آذربایجان وضعیت نامناسبی دارند و گمرکات آستارا، بیله‌سوار، جلفا، بازرگان، سرو، سهند و.. با حداقل ظرفیت کار می‌کنند و صادرات و واردات هر کدام از آنها از چند ده میلیون دلار تجاوز نمی‌کند در حالی که از بنادر جنوب، اصفهان و تهران سالانه ده‌ها میلیارد دلار وارد و صادر می‌شود در حالی که گمرکات آذربایجان از نظر نزدیکی جغرافیایی به بازارهای هدف صادراتی و وارداتی ایران در روسیه و اروپا نسبت به گمرکات دیگر کشور مزیت‌های گسترده‌ای دارند.

ظرفیت‌های کشاورزی و آب آذربایجان برای تولید محصولات کشاورزی مورد نیاز جمعیت آذربایجان دارای مازاد است و علی‌رغم آنکه هنوز در آذربایجان مدرنیزاسیون کشاورزی انجام نگرفته است و اغلب از شیوه‌های سنتی برای کشت، داشت و برداشت استفاده می‌شود، با این حال آذربایجان هم اکنون نیز صادره‌کننده محصولات کشاورزی به سایر استان‌های ایران و خارج از کشور است. به لحاظ منابع آب فقط کافی است اشاره کنیم که ایران بخصوص مرکز و جنوب آن (مناطق فارس‌نشین) منطقه خشکی است، ولی خوشبختانه آب در آذربایجان به مقدار نیاز برای مصارف شرب، صنعتی، کشاورزی و... وجود دارد و تنها دریاچه دائمی داخلی ایران یعنی دریاچه اورمیه در آذربایجان قرار داد و بقیه دریاچه‌های داخلی ایران فصلی می‌باشند و دائمی

نیستند. آذربایجان دارای رودخانه‌های دائمی متعدد مانند آراز (ارس)، قیزیل‌اوزن، قره‌سو، زولا چای، شهرچای، چیغاتی (سیمینه رود)، تاتائو (زرینه‌رود)، صوفی چای و... می‌باشند که آب مورد نیاز کشاورزی، شرب و صنعت آن را تامین می‌کنند. بارش مناسب باران و سفره‌های آب زیرزمین غنی از جمله دیگر منابع آب آذربایجان می‌باشند.

میزان زمین زیرکشت (نه قابل کشت) آذربایجان بیش از چهار میلیون هکتار می‌باشد. درحالی که کل زمین‌های زیرکشت ایران 15 میلیون هکتار می‌باشد که اکثراً البته مزارع دیم می‌باشند.

جهت مقایسه فقط به آمار زمین‌های زیرکشت ژاپن با 126 میلیون جمعیت اشاره می‌کنیم که فقط برای این همه جمعیت 5 میلیون هکتار زمین زیرکشت دارند ولی از آن مقدار زمین به صورت مدرن و مکانیزه استفاده می‌کنند. اگر چهار میلیون هکتار زمین زیرکشت در آذربایجان با استفاده از روش‌های مدرن بهره‌برداري شود بخش کشاورزي و دامپروري می‌تواند برای آذربایجان علاوه بر تامین مواد غذایی و سایر محصولات کشاورزي و ایجاد اشتغال و از طریق صادرات به بازارهای جهانی ارزآوری نیز داشته باشد.

ظرفیت‌های توریستی آذربایجان نیز درآمد قابل توجهی را برای آذربایجان می‌تواند ایجاد کند. آذربایجان از مراکز باستانی سکونت بشر بوده است و آثار تاریخی گوناگونی را در خود جای داده است که به تازگی بخشی از آنها در حال کشف می‌باشد. با این حال حتی آثار تاریخی شناخته شده دوره اسلامی و قبل از آن در صورت برنامه‌ریزی و مدیریت دقیق می‌تواند سالانه میلیون‌ها نفر توریست را به آذربایجان جذب نماید.

علاوه بر آثار تاریخی منطقه جغرافیایی، آذربایجان دارای امتیازات طبیعی و جغرافیایی در مقیاس بین‌المللی است. از این مناطق آب‌های گرم سرعین با 11 چشمه آبگرم قله سبلان و جنگل فیندیلو و... می‌باشد که در صورت وجود فرودگاهی بین‌المللی و آشنایی توریست‌های جهان با مزایای آن می‌تواند علاوه بر توریست‌های داخلی توریست‌های خارجی را نیز جذب کند.

دریاچه اورمیه با جزایر داخلی و سواحل زیبای خود و نقش آن در درمان امراض پوستی، عضلاتی می‌تواند یکی از نقاط جالب و جذاب برای توریست‌های خارجی باشد که متأسفانه هیچ‌گونه تبلیغات بین‌المللی برای شناساندن آن به توریست‌های سایر کشورها انجام نشده است. جنگل‌های قارا داغ و قلاع تاریخی واقع در درون این جنگل‌ها به ویژه در تابستان با آب و هوای مطبوع و فاقد هر نوع هوای شرجی می‌تواند یکی از نقاط جذاب برای توریست‌های خارجی باشد که البته حتی توریست‌های داخلی نیز با آنها آشنایی ندارند و فاقد هر نوع جاده مناسب و هر نوع هتل استاندارد بین‌المللی است.

قله سهند و دامنه‌های پرگل آن در تابستان و در زمستان برای ورزش‌های زمستانی و تابستانی مناسب می‌باشد و می‌تواند مکان جذابی برای توریست‌های خارجی و داخلی باشد ولی متأسفانه هیچ‌نوع امکانات در آنجا مستقر نیست.

آثار طبیعی دیگری مانند غار علی صدر همدان، غار کته خور دریاچه‌های قوروقول، نئو، شوراگول و... نیز در آذربایجان در صورت سرمایه‌گذاری و مدیریت مدرن و امروزی می‌تواند برای جذب توریست‌های داخلی و خارجی مفید و موثر باشد.

علیرغم این که آذربایجان ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل زیادی برای گسترش و رشد و توسعه اقتصادی دارا است، با این وجود عملاً از این استعدادها و ظرفیت‌ها به علل سیاسی بهره‌وری نمی‌گردد. تا وقوع انقلاب مشروطه در سال 1906 میلادی و حتی تا روی کار آمدن رضاخان شونبیت در سال 1921 میلادی آذربایجان پیشرو تحولات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... بوده است در حقیقت ورود ایده‌های مدرنیته به ایران از طریق تورک‌های عثمانی و تورک‌های قفقاز و توسط آذربایجانی‌ها و به ویژه مردم تبریز بوده است. اما اشتباه روشنفکران آذربایجانی قبل از انقلاب مشروطه و به ویژه در جریان تدوین قانون اساسی مشروطه که عمدتاً توسط انقلابیون و آذربایجانی‌های روشنفکر صورت گرفت، متأسفانه هویت کثیرالملله ایران به ویژه حقوق ملت آذربایجان را به دقت تعریف نکردند و برای مردم عادی آذربایجان نیز به علت گرفتاری آنها در

گفتمانهای سنتی امکان تعریف جدید هویت ملی تورکی آذربایجانی و تعریف منافع ملی آذربایجانی به مفهوم مدرن دولت و سنفالیایی ممکن نگردید.

با به قدرت رسیدن رضا شاه اراندل و اوباش وارد دانشگاهها شدند و کشور کثیرالملله ایران را بر اساس هویت فارسی تعریف کردند و بر اساس سیاست "یک کشور، یک زبان" شروع به نابودی هویت های غیر فارس کردند به طور خلاصه محورهای عمده سیاست قومی رضا شاه عبارتند از:

جعل هویت فارسی برای ترکهای آذربایجانی، ممنوعیت تدریس زبان اقوام غیر فارس، اخذ مالیات از نواحی غیر فارس و اختصاص این مالیاتها به مناطق فارس نشین و مهاجرت دادن اقوام غیر فارس زبان به مناطق فارس زبان برای استحاله آنان در جمعیت فارس زبان از طریق فشارهای اقتصادی.

به لحاظ سیاسی نیز نابودی نهادهای مدنی و مستقل غیر فارس و پرورش گروهی از مقامات استانی حلقه به گوش و گوش به فرمان و فاقد هر نوع شخصیت مستقل و هر نوع فکر و اندیشه سیاسی اقوام غیر فارس تعطیل و شخصیتهای مستقل زندانی و اعدام شدند و مثنی حلقه به گوش در آذربایجان، کردستان، خوزستان، ترکمن صحرا و بلوچستان زمام امور را به دست گرفتند.

در طول 83 سال اخیر، این استراتژی برای نابودی هویتهای ملی غیر فارس اعمال شده است و شاید صرفاً در تاکتیکها تغییراتی به اقتضای شرایط زمانی صورت گرفته است. نمایندگان مجلس در آذربایجان و سایر مناطق غیر فارس زبان از میان آدمهای حلقه به گوش انتخاب شده است و بنابراین هیچ وقت در تعقیب منافع ملت متبوع خود نبوده اند.

با ارائه این نمای کلی از ظرفیتهای اقتصادی آذربایجان، دلیل عدم امکان بهره‌برداری بهینه از این ظرفیتها سیاست یکسان سازی دولت مرکزی است که بر اساس آن سرمایه‌گذاریهای کلان صنعتی، معدنی، کشاورزی، عمرانی و دانشگاهی فقط در مناطق فارس زبان انجام می‌گیرد و در

مناطق غیر فارس زبان، به ویژه آذربایجان صرفاً برای فریب و مشغول کردن مردم هر روز کلنگزنی‌های تبلیغاتی صورت می‌گیرد ولی در عمل هیچوقت این پروژه‌ها به بهره‌برداری نمی‌رسد.

از سوی دیگر هر سال بیش از مقداری که دولت در آذربایجان سرمایه‌گذاری می‌کند، سرمایه‌ها و نیروهای انسانی متخصص به دلیل عدم وجود زیربنای اقتصادی و بوروکراسی فاسد که نقش آن از سوی دولت مرکزی فراری دادن سرمایه‌های بخش خصوصی به تهران، کرج و اصفهان می‌باشد و آذربایجان روز به روز فقیرتر و مناطق فارس زبان روز به روز ثروتمندتر می‌شوند. مسلماً بدون پذیرش تساوی قومی و ملی در ایران از سوی فارسی‌زبانان امکان رشد و توسعه مناطق غیر فارس زبان از جمله آذربایجان فراهم نخواهد بود و به حقوق سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود نخواهد رسید. به امید روزی که عدالت در میان تمام اقوام ایرانی برقرار شود.

منابع و ماخذ

1- “نتیجه رقابت روس و فرانسه در اکتشاف نفت دشت مغان هفته دیگر مشخص می‌شود، روزنامه هدف و اقتصاد، 83/9/7، ص 9

2- “مجمع مس سونگون سال آینده راه اندازی می‌شود.” روزنامه جهان اقتصاد، 83/9/17، ص

15